

چهره دوم

○ هدایت الله بهودی



۲۸۹

محمدقلی مجد^۱ از ایرانیان پژوهشگر مقیم آمریکا، اخیراً کتابی با عنوان «غارت بزرگ آمریکایی آثار باستانی ایران در سالهای ۱۹۲۵ - ۱۹۴۱»^۲ منتشر کرده است. این کتاب، تحقیقی است تکان دهنده درباره غارت میراث فرهنگی ایران در دوره رضاشاه که اطلاعات آن بر پایه اسناد علنی شده بایگانی وزارت امور خارجه آمریکا استوار است.

نقش آرتور اُپهام پوپ (Arthur Upham Pope) و محمدعلی فروغی (ذکاءالملک) و پسرش مهندس محسن فروغی در این چپاول بسیار جالب است. مکاتبات پوپ و والاس مورای (Wallace Murray) دیپلمات متنفذ آمریکایی در تهران که بعدها سفیر ایالات متحده در ایران شد، نشان می‌دهد که میان پوپ و فروغی پدر و پسر رابطه مالی گسترده‌ای برقرار بوده و «فروغیها» به عنوان کارگزار پوپ در زمینه سرقت و انتقال اشیای عتیقه از ایران عمل می‌کردند. این اشیای به سرقت رفته، از طریق پوشش دیپلماتیک سفارت آمریکا به خارج منتقل می‌شد.

هر چند درباره فروغیها - به ویژه فروغی پدر - مطالبی در ایران منتشر شده و تلاش آنان در استحکام پایه‌های سیاسی و فرهنگی نظام شاهنشاهی در دوره پهلوی آشکار گشته، اما پوپ در ایران به عنوان چهره‌ای فرهنگی شناخته شده است؛ چهره‌ای که بیش از هر ایرانی دیگر به هنر ایران خدمت کرده است! او نخست در سال ۱۳۰۴ ش، همزمان با تحولات عمیق سیاسی (سقوط سلسله قاجار و روی کار آمدن رضاشاه)، وارد ایران شد.

سمت او در آن وقت کارشناس و رایزن مؤسسه هنری شیکاگو^۳ بود. پوپ در دوم اردیبهشت ۱۳۰۴ در محل تالار بانک ملی در خیابان فردوسی - که در آن زمان خانه جعفرقلی سردار اسعد بختیاری بود - تحت عنوان «هنر ایران در گذشته و آینده» سخنرانی کرد. بازخوانی این سخنان حکایت از عمق آگاهیهای او از هنر و میراث فرهنگی ایران دارد. این سخنرانی به درخواست حسین علاء صورت گرفت. علاء که مدتی وزیر مختار ایران در آمریکا بود با پوپ سابقه آشنایی و دوستی داشت.

از جزئیات این آشنایی اطلاعی در دست نیست. اما می دانیم که علاء دولتمردی کهنه کار بود، لژهای فراماسونری متعددی را در ایران پایه گذاری کرد و در دهه سی شمسی متکای فکری بسیاری از فراماسونها شمرده می شد.

می گویند سخنرانی پوپ در ایران سبب تأسیس انجمن ایران و آمریکا که پس از جنگ جهانی دوم یکی از مبادی ورود فرهنگ آمریکا به ایران بود، گردید.^۴

پوپ در ادامه مناسبات خود با ایران در سال ۱۳۰۹ ش «مؤسسه آمریکایی هنر و باستان شناسی ایران» را در نیویورک تأسیس کرد. این مؤسسه پس از توسعه، «مؤسسه آسیا» نام گرفت. این مؤسسه در سال ۱۳۴۵ ش، به درخواست دولت ایران، به شیراز منتقل و به دانشگاه پهلوی وابسته گردید.

کوششهای پوپ در ایران به ظاهر صرف شناسایی و شناساندن هنر و میراث فرهنگی ایران شد. از اقدامات مهم او برپایی سه کنگره جهانی هنر و باستان شناسی ایران به همراه نمایشگاههایی در شهر فیلادلفیای آمریکا (۱۳۰۶ ش)، لندن (۱۳۰۹ ش) و لنینگراد و مسکو (۱۳۱۴ ش) بود. می توان گفت اقدامات او کمک بسیاری به استقرار پایه های فرهنگی سلطنت رضاشاه که بر مبنای باستان گرایی استوار شده بود، کرد.

با ورود پوپ به ایران سرمایه گذاری آمریکا در میراث فرهنگی ایران هم آغاز شد. محمدقلی مجد در کتاب «غارت بزرگ آمریکایی» نشان می دهد که آمریکا طی سالهای ۱۹۳۱ - ۱۳۱۰/۱۹۳۹ تا ۱۳۱۸ جمعاً ۷۱۰ هزار دلار در زمینه آثار باستانی ایران هزینه کرد و در ازای آن اشیایی به ارزش صدها میلیون دلار به چنگ آورد. برای نمونه انستیتو شرق شناسی دانشگاه شیکاگو (احتمال وابستگی این انستیتو به مؤسسه هنری شیکاگو که پوپ کارشناس آنجا بود وجود دارد) در سالهای ۱۹۳۱ تا ۱۳۱۰/۱۹۳۵ تا ۱۳۱۴ در تخت جمشید فقط یکصد هزار دلار سرمایه گذاری کرد و در مقابل، عالی ترین قطعات این گنجینه را که غیر قابل ارزش گذاری است به دست آورد. در کتاب «غارت بزرگ آمریکایی» تمام نامه های اصلی که میان موزه ها و رؤسای آنها در ایران به همراه مجموعه هایی که در قالب بسته های سیاسی از ایران به آمریکا

فرستاده می شد، آمده است. مجد تأکید می کند که طبق اسناد دولتی آمریکا، افرادی مانند پروفیسور پوپ، در کار سرقت عتیقه جات از امام زاده ها و مساجد ایران و فروش آنها به موزه های آمریکایی بودند. طبق این سندها، اشیایی که برای نمایش در نمایشگاه هنر و باستان شناسی ایران در لندن برگزار شد، هرگز به ایران برنگشت.^۵



درباره کتاب اخیر محمدقلی مجد گفته شده که «ایرانیها برای پیمودن راه دشوار پیشرفت کشورشان به اهمیت غارت آثار

باستانی آگاه نبودند. آنها در دهه ۱۹۳۰ توجه شان فقط به حوزه های نفتی تحت نظارت خودشان و استخراج نفت آن توسط شرکت استاندارد اوایل معطوف بود. ایرانیها هر زمان که به کمک آمریکاییها احتیاج داشتند هیچ کمکی از سوی آنها دریافت نمی کردند. به طور مثال در زمان تلاش برای برچیدن تسلط انگلیسیها بر ایران و پیروزی بر این استعمار پیر و یا در زمان جنگ جهانی اول. اما در آن هنگام شاهد تاراج آثار باستان شناسی توسط آمریکاییها بودند. از این زمان به بعد ایرانیها، آمریکا را ابر قدرتی می دانستند که فقط به فکر استثمار آنهاست. تا سال ۱۹۴۱ آثار باستانی ایران بدون هیچ مسئله ای و به آسانی از ایران خارج شد.»^۶

محمدقلی مجد پس از پایان نگارش کتاب خود برای چاپ آن دچار مشکل شد. خود در این باره می گوید:

کتاب را اول به انتشارات دانشگاه فلوریدا عرضه کردم که ناشر دو کتاب قبلی ام بود. آنها پروفیسور بریان اسپونر، استاد دانشگاه پنسیلوانیا، را برای بررسی کتاب تعیین کردند. یعنی استاد همان دانشگاهی که در کتاب من متهم بود به غارت میراث فرهنگی ایران. واکنش پروفیسور اسپونر بسیار خصمانه بود. او با اشاره به «تعارض علایق» خود و در کار خرابکاری و سمپاشی علیه کتاب بود، من ترجیح دادم آن را از انتشارات دانشگاه فلوریدا پس بگیرم. به این ترتیب، چند ماه تلف شد. لازم به ذکر است که تاکتیک پروفیسور اسپونر شبیه به تاکتیک پروفیسور رینگر بود. هر دو حاضر نشدند به طور کتبی درباره کتابهایم اظهار نظر کنند و هر دو می ترسیدند که سند مکتوبی از خود به جا بگذارند. با توجه به چنین روشی، انسان مشکوک می شود که تلاش

هماهنگ و سازمان یافته‌ای برای سانسور و بایکوت کتابهایی که مغایر با دیدگاههای خاصی است در جریان می باشد.

بعد از انتشارات دانشگاه فلوریدا، به سراغ ناشرینی رفتم که کتابهایی درباره غارت آثار باستانی مصر و عراق منتشر کرده بودند. مثلاً انتشارات دانشگاه کالیفرنیا و انتشارات دانشگاه تگزاس، ولی هیچ کدام حاضر نشدند کتاب من را حتی برای بررسی تحویل بگیرند. من متحیر بودم که چرا چنین می کنند. حتی سعی کردم که کتاب را به وسیله انتشارات مزدا منتشر کنم. کتاب را چند ماه نگه داشتند و بعد رد کردند. جالب است بدانید که همین انتشارات مزدا کتابی درباره پرفسور پوپ چاپ کرده و در آن از وی چهره یک فرشته معصوم و نوع دوست را ساخته است. همان پرفسور پویی که طبق اسناد وزارت خارجه آمریکا حرفه اش سرقت آثار عتیقه از امام زاده‌ها و مساجد ایران بود. به سراغ انتشارات میچ رفتم و باز به جز اتلاف وقت چیزی نصیبم نشد. مالک انتشارات میچ به اقدامات حکومت طالبان در افغانستان اشاره کرد و گفت پرفسور پوپ با انتقال این گنجینه‌های هنری و عتیقه جات به موزه‌های بین‌المللی به ایران خدمت کرد. بله این هم نظری است. ولی چرا نباید این آثار در ایران حفظ و نمایش داده می شد؟ پس از یک سال تلاش و اتلاف وقت، بالاخره توانستم ناشری بیابم.^۷

آرتور اپهام پوپ تا اواخر دهه سی شمسی همچنان به عنوان شخصیتی فرهنگی در عرصه هنر و میراث فرهنگی ایران مطرح بود. انتشار کتاب «بررسی هنر ایران» در شش جلد که به سال ۱۳۱۷ ش چاپ شد، کمک شایانی به ماندگاری این وجه از شخصیت او کرد. رفت و آمدهای متناوب او به ایران و تلاش وی در معرفی هنر ایرانی پوپ را بیش از پیش به محمدرضا پهلوی نزدیک کرد تا جایی که نشان تاج، نشان همایون و نشان علمی درجه یک به او داده شد و دانشگاه تهران نیز دکترای افتخاری بدو



پوپ و همسرش در اصفهان

بخشید. در اوایل دهه چهل چهره تازه‌ای از این شخصیت نزد نهاد امنیتی ایران مطرح شد. سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) دریافته بود که پوپ در جریان سازه‌های سیاسی ایران دخیل است. با وجود این آگاهی، در سال ۱۳۴۷ ش در مراسمی که تحت عنوان پنجمین کنگره جهانی هنر و باستان‌شناسی ایران در تالار رودکی تهران برپا شد، شاه رسماً از پوپ قدردانی کرد.

در سندی به جای مانده از ساواک، چهره دوم این شخصیت به روشنی بیان شده است. ساواک پوپ را عضو سازمان سیا (CIA) می‌دانست. این گزارش نشان می‌دهد که پوپ در اواخر دهه سی و در دهه چهل نقش مؤثری در تصمیم‌گیری‌های سیاسی آمریکا در ایران داشته است؛ از آن جمله می‌توان به تشکیل گروه مترقی به ریاست حسنعلی منصور اشاره کرد که اعضای آن اهرمهای قدرت را پس از تبدیل شدن به حزب ایران نوین به دست گرفتند. این سند چهره سیاسی پوپ را چنین ترسیم می‌کند:

«طبق اطلاع به زودی پروفیسور پوپ استاد دانشگاه ماساچوست آمریکا و عضو سازمان سیاسی آن کشور که متخصص در امور اجتماعی است به عنوان اینکه در اثر بازداشت اکرام معاف زاده کتابهایش در ایران خوب تبلیغ نشده و به فروش نرفته و در این موقع که جرج آلن هم در ایران است و روش سیاسی ایران تغییر کرده به ایران خواهد آمد. البته این شخص چندی قبل هم به ایران آمد و رفت کرد و همان کسی است که در شش ماهه دوم سال ۳۹ به ایران آمد و قریب شش الی هشت ماه در ایران بود و مأموریت داشت در مورد پیشنهاد سفیر وقت آمریکا و وزیر مختار سفارت وقت آمریکا در اثر خدمتی که مرحوم منصور به آنها کرده بود و آنها از وزارت خارجه و سیاستمداران آمریکا خواسته بودند ایران با روش سیاست یک حزبی اداره شود و لیبر حزب نیز منصور باشد مطالعه کند.

مستر پوپ در مدت اقامت خود از کارگر ساده گرفته تا با رجال مهم ایران مستقیماً تماس گرفت و حتی در این مدت توقف، شش بار با احمد آرامش ملاقات نمود و نظرات او را که وارد به امور سیاسی ایران بود خواست (این موضوع را خود آرامش برای منبع تعریف کرده است).

خلاصه به آمریکا مراجعت نمود و پس از تقدیم گزارش خود، سفیر وقت آمریکا به عنوان مرخصی به مدت دو هفته به آمریکا رفت ولی این سفر ۷۰ روز طول کشید و سفیر آمریکا با دستورالعمل تازه‌ای وارد شد و به حضور شاهنشاه شرفیاب گردید و بلافاصله گروه مترقی منصور تشکیل گردید که همه از جوانان و پیروان طرفدار آمریکا بودند و بلافاصله این دفتر و این گروه، وابسته به دفتر اختصاصی شاهنشاه اعلام شد. خلاصه انتخاباتی صورت گرفت و حزب ایران نوین به وجود آمد. حال این پروفیسور پوپ بزودی به ایران خواهد آمد و سفر آن را نمی‌توان

مجموعه مطالعات نابری

بی اهمیت دانست .»

پوپ که در سال ۱۸۸۱ میلادی (۱۲۶۰ ش) در آمریکا به دنیا آمده بود در هشتم شهریور ۱۳۴۸ درگذشت . او پیش از این از محمدرضا پهلوی خواسته بود که جسدش در اصفهان دفن شود . خود نیز محل آن را تعیین کرده بود : کنار زاینده رود در شرق پل خواجه . شاه با تقاضای پوپ موافقت کرد و به انجمن آثار ملی و وزارت فرهنگ و هنر دستور داد مقدمات آن را فراهم کنند . پوپ از محسن فروغی نیز خواسته بود که نقشه آرامگاهش را بکشد ، که او نیز چنین کرد .

پانوشتها :

۲۹۴

۱- محمدقلی مجد در ۲۶ اسفند ۱۳۲۴ ش . در تهران به دنیا آمد . تحصیلات خود را در دانشگاههای سن اندریو (۱۹۷۰) ، منچستر (۱۹۷۵) و کرنل (۱۹۷۸) با درجه دکترا به پایان برد و به تدریس در برخی از دانشگاههای ایالات متحده آمریکا ، از جمله دانشگاه پنسیلوانیا (۱۹۹۳-۱۹۹۸) ، مشغول شد . در این سالها مقالات متعددی از مجد در نشریاتی چون مجله آمریکایی اقتصاد کشاورزی ، مجله مطالعات دهقانی ، مجله بین المللی مطالعات خاورمیانه ، مطالعات خاورمیانه ، و مجله خاورمیانه انتشار یافت . دکتر محمدقلی مجد از سال ۱۹۹۹ به طور تمام وقت به تحقیق و تألیف در حوزه تاریخ معاصر ایران اشتغال دارد . (سایت عبدالله شهبازی) .

2- Mohammad Gholi Majd, The Great American Plunder of Persia's Antiquities 1925-1941, New York: University Press of America, 2003, 276 Pages.

3- Advisory Curator of The Near Eastern Art Institute of Chicago.

۴- برای آگاهی از این سخنرانی ر . ک : هنر ایران در گذشته و آینده ، به کوشش عیسی صدیق ، مدرسه عالی خدمات جهانگردی و اطلاعات ، ۱۳۵۵ ش . این کتاب به مناسبت پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی منتشر شد . یکی از نکات سخنرانی پوپ حضور چهره های سیاسی آن زمان در محل تالار بود : رضاخان نخست وزیر که هفت ماه بعد به سلطنت رسید ، محمدعلی فروغی وزیر دارایی و رئیس انجمن آثار ملی ، عبدالحسین تیمورتاش وزیر فواید عامه ، حسین پیرنیا رئیس مجلس ، حسن مستوفی ، حسن پیرنیا ، حسن اسفندیاری ، سید حسن تقی زاده ، علی اکبر داور ، مرتضی قلی بیات ، والس مورای کاردار سفارت آمریکا ، دکتر میلسپو مدیر کل دارایی ایران ، دکتر جردن و دکتر بویس رئیس و معاون کالج آمریکایی تهران .

۵- سایت عبدالله شهبازی .

6- <http://WWW.wordtrade.Com/history/antiquitiesR.htm>.

۷- سایت عبدالله شهبازی .

چهره دوم

* کمتر از یک سال پس از انتشار کتاب «غارت بزرگ آمریکایی...»، در دهم اردیبهشت ۱۳۸۳ خبری منتشر شد که «مؤسسه خاورشناسی دانشگاه شیکاگو آمریکا که سعی در از سرگیری مجدد فعالیتهای مطالعاتی خود در ایران دارد، برای نشان دادن حسن نیت خود سیصد لوح دوره هخامنشی را به ایران باز می گرداند.» (سایت فارسی بی . بی . سی ، ۲۹ آوریل ۲۰۰۴) گیل استاین ، رئیس این مؤسسه بدون اشاره به چگونگی دستیابی دولت متبوع خود به این آثار باستانی گفت که «امیدوار است طی این سفر درباره موافقت نامه ای برای حفاریهای باستانی تازه و آموزش دانشجویان ایرانی برای حفاظت از آثار عتیقه با مقامهای ایرانی گفت و گو کند.» (همان) اینک هفتاد سال پس از آن چپاول بزرگ ، جانشینان پروفیسور پوپ بخش ناچیزی از میراث فرهنگی به سرقت برده را با عنوان «حسن نیت» به ایران باز می گردانند!



گزارش اطلاعات داخلی

شماره - ۳۰۰/۵۱۶	موضوع - مسافرت پروفسور یوشیو با ایران
تاریخ صادره	محل - تهران
تاریخ وصول خبر - ۲۲/۸/۶۶	مبلغ بشماره
تاریخ گزارش - ۲۲/۸/۶۶	متن خبر - ۲۳
	تقریب - ۳

طبق اطلاع یوشیو پروفسور یوشیو استاد دانشگاه ساپا چوسه آمریکا و همسر او زن سابق ساپا است که شخص در امور اجتماعی است به عنوان اینکه در رشته های زیست و محیط زیست کار می کند و در ایران خوب تبلیغ نموده و همسرش فرشته و زارینسون که چرخ آلتن هم در ایران است و روش سیاسی ایران تمسیر کرده با ایران خواهد آمد. البته این شخص چندین بار با ایران آمد و رفت کرد و همسرش کسی است که در رشته های دو سال ۳۹ با ایران آمد و فریبش از او راه در ایران بود و نامور است و است در مورد پیشه چاد سفیر وقت آمریکا و وزیر وقت آمریکا و وقت آمریکا را فرخنده می که مرحوم - مخصوص آنها کرده بود و آنها از وزارت خارجه و سایر سفیداران آمریکا خواسته بودند که ایران با او بیست و یک حلیس اداره شود و بعد رحوب نیز مخصوصا بعد مطالعه آمد.

سفیر وقت در مدت اقامت خود در کراسان گرفته تا با رجال مهم ایران مستقیما تماس گرفت و حتی در زمین مدت توقفش با آنها بعد از اراضی ملاقات نمود و نظرات او را که وارد با میز میانی ایران بود خواست (این موضوع را خود در آراضی برای منبج تمهید کرد فاست) خلاصه با آمریکا مراجعت نمود پس از آنکه هم گزارش خود سفیر وقت آمریکا به عنوان مرخصی بعد از ۶ هفته با آمریکا رفت ولی این سفر ۷۰ روز طول کشید و سفیر آمریکا با دستور العمل تازه ای وارد شد و دستورهای هفتاد و شش را دریافت کرد پس بلافاصله گروه مترقی منصور تشکیل کرد بد که در چارچوبان صبران طرف اراضی ایران بود و بلافاصله این دفتر را بن گروه وابسته بد فتراختما صی شا هفتاد و هفتم شد. همان سعا نشها با صی صورت گرفت و حزب ایران زمین موجود آمد. حال این پروفسور یوشیو با ایران خواهد آمد و سفر آنرا نمیتوان بر اهمیت دانست.

۲۹۶

دری پرستنده کالی خبر ایران / فون صید و قیافه / روز ۱۰۰۰ در روز ۱۰۰۰ / مهر ۸۱ / ۲۲/۸/۶۶ / نظر به / ۱۱۸۱/۹۱-۹



نخست وزیر
سازمان اطلاعات و امنیت کشور
س.ا.و.ا.ک

بخش ۳۱۲
شماره
تاریخ
پیوست
به

گزارش

در باره : مسافرت پسر و فرزند پسر پوپ با ایرانیان

محترماً اداره دوم کل سوم اعلام نمود ه است هر و فرزند پسر پوپ که از مستشرقین معروف آمریکائی و استاد دانشگاه ماساچوست آنکشور که در ضمن عضو سازمان (سیا) آمریکا میباشد قرار است تا قبل از پایان و مهال در دسترس باشد و به این
و به ماه سال جاری با ایران مسافرت نماید .
ضمناً پیش بینی شده است چنانچه مشارالیه با ایرانیان مسافرت نماید مسلماً برای آزادی احمد آramش که از دوستان نزدیک وی میباشد اقدام خواهد نمود .

اقدامات انجام شده :

مسافرت یاد شده فوق با ایران از طریق اداره دوم عملیات و بررسی (بخش ۳۲۱) با اداره کل هشتم و ساواک استان مرکزی اعلام گردیده است . مراتب استحضاراً معروض گردید . پ

تهیه کننده - معصوم نژاد
۱۴۰۱/۱۰/۲۴
رئیس بخش ۳ (۳) با قسری
۱۴۰۱/۱۰/۲۴
رئیس اداره یکم عملیات و بررسی . لیقوانی محمدیان
۱۴۰۱/۱۰/۲۴
۱۴۰۱/۱۰/۲۴